

تحلیل ناکامی قرائت حزب عدالت و توسعه در الگو شدن برای جهان اسلام

تاریخ دریافت: ۹۶/۳/۳

تاریخ تأیید: ۹۶/۱۰/۱۰

علی علی حسینی *

حسین عربیان **

حزب عدالت و توسعه به‌ویژه با بیداری اسلامی در سال ۲۰۱۱م، مدعی الگویی میانه و کارآمد در تلفیق اسلام و لیبرال‌دموکراسی غربی برای دیگر کشورهای اسلامی برآمد. بر اساس این مدعا، نوشتار حاضر درصدد است با رویکردی توصیفی - تحلیلی به این پرسش پاسخ دهد که: این الگو با توجه به چالش‌های مسلمانان و به‌ویژه جنبش‌های اسلامی که به‌عنوان مخاطبان اصلی الگوی ترکیه مطرح می‌شوند، با چه چالش‌هایی روبه‌روست؟ بر اساس متغیرهای مهمی چون سکولاریسم، توجیحات ارزشی و هنجاری، مداخله‌های خارجی، مشارکت سیاسی، مسئله فلسطین و سیاست‌های وحدت‌گرایانه که مورد توجه جنبش‌های اسلامی منطقه قرار دارد، فرضیه مقاله بر آن است که الگوی حزب عدالت و توسعه با چالش‌های متعددی روبه‌روست. حرکت این الگو بر اساس رویکرد دوگانه منفعت - هویت، سبب انشعاب دوگانه در سیاست‌های راهبردی و در نتیجه، ناپایداری در عمق راهبردی حزب می‌شود. این تناقضات موارد مهمی چون مغایرت‌های مبنایی اسلام و لیبرال‌دموکراسی، غرب‌گرایی ارزشی - لیبرالی و شرق‌گرایی هویتی - تکفیری، ارتباط راهبردی با رژیم صهیونیستی در کنار توجه موضعی به مسئله فلسطین و در نهایت با ورود به مسئله سوریه، زمینه تنش صفر و صدی را دربرمی‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: منفعت - هویت، نوع‌ثمانی‌گری، حزب عدالت و توسعه، سکولاریسم، عمق راهبردی.

* استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان (a.alihosseini@ase.ui.ac.ir).

** دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه اصفهان (arabianhossein@ymail.com).



مقدمه

پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی، عصری جدید در تاریخ تحولات ترکیه به وجود آمد که از آن به ترکیه مدرن یاد می‌کنند. این دوره با روی کار آمدن مصطفی کمال آتاتورک آغاز شد. ظهور ترکیه مدرن با تلاش برای به حاشیه راندن اسلام یا حذف کامل آن، حتی از عرصه‌های خصوصی بود. این یورش به مبانی اسلامی سبب ایجاد جریان‌های اسلام‌گرا با اشکال مختلفی گردید که البته بر مبانی طریقتی رایج در ترکیه استوار بود. از این رو، این دوره برخلاف دوره عثمانی، فراز و نشیب‌های مختلفی به خود دید که حول محور جدال «سنت و تجدد» یا جدال «اسلام و سکولاریسم» می‌چرخید. در فراسوی این جدال، در نهایت حزب عدالت و توسعه توانست در سال ۲۰۰۲ قدرت را به دست گیرد و از آن پس برحسب شرایط حاکم بر ترکیه، نوع خاصی از آمیزش اسلام‌گرایی و تجددخواهی را رقم زد که از آن با الگوی نوع‌ثمانی‌گری یاد شده است. این الگو همانند دیگر الگوهای مطرح‌شده در جهان اسلام مدعی ارائه الگویی برای دیگر جوامع اسلامی است. مدعا بر آن است که این مدل توانسته اسلام و مدرنیته را در کنار هم قرار دهد و نزد غربی‌ها نیز معطوف به نوعی اسلام معتدل و منطقی است. آنان تأکید دارند که این مدل از نظر ارتباط با دموکراسی و توسعه اقتصادی باید سرمشق دیگر کشورهای اسلامی قرار گیرد (اکبری کریم‌آبادی، ۱۳۹۲: ۳). اینکه این الگو تا چه حد از این توانایی برخوردار است تا به عنوان سرمشقی برای سایر کشورهای اسلامی قرار گیرد، اهمیت این نوشتار را بیان می‌دارد.

چارچوب نظری

برای شناخت مناسب چالش‌های الگوی نوع‌ثمانی‌گری در برابر امواج بیداری اسلامی، به شناخت چالش‌های اساسی جهان اسلام، به‌ویژه منطقه خاورمیانه به‌عنوان کانون تحولات جهان اسلام نیازمندیم. از این رو، ابتدا باید مسائل مهم و اساسی را در میان مسلمانان منطقه شناسی کنیم و بدین‌منظور از نظریه اقدام جمعی اسلام‌گرایان بهره می‌بریم. این نظریه چندین متغیر مهم را مشخص می‌کند که این متغیرها از بیشترین تأثیر در بین عامه مردم و جنبش‌های اسلامی معاصر برخوردار است. متغیرهای مهم این نظریه بدین قرار است:

(۱) سکولاریسم و توجیهات ارزشی و هنجاری: مسلمانان به آمیزش دین و سیاست اعتقاد دارند و با هرگونه جدایی از آن مخالفت می‌ورزند و از طرفی، به برخی جنبه‌های





سیاسی اسلام، به‌ویژه در حوزه امر به معروف و نهی از منکر با توسل به آیات قرآن به‌عنوان منابع ارزشی خود تأکید دارند.

(۲) مداخله‌های خارجی: در این خصوص، مسلمانان مخالفت‌های شدید خود را در حمایت دولت‌های خارجی از دولت‌های بومی در خاورمیانه و سیاست‌های قهرآمیز و استکباری آنها اعلام می‌کنند.

(۳) مشارکت سیاسی: مسلمانان تأکید ویژه‌ای بر مشارکت سیاسی بر اساس مبانی اسلامی خود دارند.

(۴) مسئله فلسطین و سیاست‌های وحدت‌گرایانه: در این خصوص نیز آزادی قدس از اشغال صهیونیسم در صدر اولویت‌های اسلام‌گرایان قرار دارد و همچنین وحدت نیز از مسائل مهم جهان اسلام است که همواره مورد توجه مسلمانان قرار داشته است (احمدی، ۱۳۹۰: ۶۰-۴۷)

بنابراین، با بهره‌گیری از این متغیرها که مورد توجه جوامع اسلامی، به‌ویژه جنبش‌های اسلامی معاصر است و با به‌کارگیری رویکردی توصیفی - تحلیلی به بررسی الگوی نوعثمانی‌گری ترکیه خواهیم پرداخت.

بررسی چالش‌های الگوی حزب عدالت و توسعه

بر اساس چارچوبی که در نظر گرفته شده است، به بررسی رویکردهای ترکیه و چالش‌های آن می‌پردازیم. از این‌رو، ابتدا به طرح مدعای الگوی ترکیه در تلفیق اسلام و دموکراسی لیبرال غربی پرداخته، ارتباط آن را با نیازها و ارزش‌های اسلامی یادشده بررسی خواهیم کرد.

الف) ارتباط دین و سیاست

با پیروزی حزب عدالت و توسعه در انتخابات سال ۲۰۰۲م، به مرور الگویی از نظام سیاسی شکل گرفت که در آن مقامات حزب عدالت و توسعه، نظام سیاسی خود را مدلی میان دو جریان افراطی، یعنی اقتدارگرایی سکولار و بنیادگرایی اسلامی حاکم بر سیاست و حکومت کشورهای خاورمیانه معرفی می‌کردند (Duran & Yilmaz, 2011: 1). آنها بر این ادعا بودند که این الگو می‌تواند به تقاضای فزاینده گروه‌های مختلف با گرایش‌های متفاوت، پاسخی مناسب ارائه دهد. از این‌رو، آنها مدعی تلفیق مناسب و کارآمد اسلام و دموکراسی بودند؛ به‌ویژه پس از اظهارنظرهایی که از سوی برخی نیروهای انقلابی منطقه، مبنی بر مطلوبیت الگوی سیاسی ترکیه مطرح شد، تمایل برای تسری این الگو از سوی



ترک‌ها نیز افزایش یافت (بیری و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۲). با وجود این، راه‌حلی که مقامات ترکیه ارائه می‌دادند، به کم‌رنگ کردن گرایش‌های اسلامی مختلف خلاصه می‌شد که در آن می‌بایست هویت‌ها و ذائقه‌ها به سمت یکسانی پیش می‌رفت، نه درستی و نادرستی بر اساس مبانی اسلامی.

در نهضت اومانیسم (Humanism) که مبانی سکولار غربی بر اساس آن پایه‌ریزی می‌گردد، بر اصالت دادن به انسان در ساحت‌های مختلف فکر و اندیشه، رفتار و ذوق و سلیقه تأکید می‌شود. اومانیست‌ها محدودیت آدمی را به‌هیچ‌روی بر نمی‌تابند و حتی بر این باورند که دین هم نباید و نمی‌تواند انسان را محدود کند. وحی و پیامبران الهی نیز در دستگاه اومانیسم، آنجاکه با ذوق و سلیقه آدمی ناسازگار است، کنار گذاشته می‌شود. با توجه به همین مبانی اومانیستی است که پلورالیسم دینی، همه اندیشه‌ها، مکتب‌ها، آرا و عقاید را از آن نظر که محصول و دستاورد اندیشه آدمی هستند، قابل اعتبار و ارزش می‌داند. در حقیقت پلورالیست‌ها معتقدند دین هرکس، فهم او از شریعت است و هر فهم از آن نظر که فهم بشری است، محترم است؛ و لو متکثر، متنوع، متباین و متناقض باشد (کامران، ۱۳۸۲: ۲۸۱-۲۸۲). این در حالی است که در جهان اسلام، دین از ارکان اساسی مسلمانان به شمار می‌آید و نمی‌توان آن را به‌آسانی با منابع معرفتی دیگر که در تضاد با آن قرار دارند، ادغام کرد (عمید زنجانی، ۱۳۸۷: ۲۵۳-۲۵۴).

بنابراین، الگوی حزب عدالت و توسعه برای اینکه بتواند به نوعی تلفیق میان اسلام و لیبرال‌دموکراسی غربی برسد، باید چارچوب یکی از اندیشه‌ها را بگیرد و اندیشه دیگر را در چارچوب اندیشه مبنا خلاصه کند تا بتواند به نوعی تلفیق دست یابد. بسته به اینکه کدام‌یک از اندیشه‌ها به صورت مبنایی عمل کنند، اندیشه دیگر طبیعتاً باید به صورت ابزاری درآید تا بتواند در چارچوب اندیشه مقابل، قابل‌تعریف باشد. از این‌رو، اگر الگوی ترکیه چارچوب مبنایی غرب را بپذیرد که تا به حال این‌گونه عمل کرده است (یاووز، ۱۳۸۹: ۲۵۷)، به‌ناچار برای تلفیق آن با دین اسلام باید به حدی دین را صیقل دهد و اندیشه‌های خارج از چارچوب غربی را حذف کند تا بتواند آن را در چارچوب اندیشه سکولار غربی بگنجانند. بنابراین، الگوی نوع‌ثمانی‌گری در رسیدن به این تلفیق که آن را از نقاط قوت خود می‌داند، با چالش‌های متعددی در ابعاد مختلف داخلی، منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای مواجه می‌شود.

در بعد داخلی، الگوی ترکیه با اسلام‌گرایی و دموکراسی‌خواهی برآمده از مبانی حقوق

بشری، زمینه ایجاد هویت‌های متفاوت و درعین حال متضاد را مهیا می‌کند. بر اساس این مبنا، حق آموزش، اصل عدم تبعیض، میثاق اروپایی حقوق بشر و دیگر قراردادهای بین‌المللی حقوق بشر، به‌جای اسلام، به‌عنوان تنها مرجع در دفاع از هویت‌های اسلامی در ترکیه به کار می‌روند (امام‌جمعه‌زاده و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۴۹). از این‌رو، هویت مذهبی محدود به فرد و مسائل فرهنگی می‌شود، نه سیاسی و حتی طرفداری این حزب از حجاب اسلامی، از موضع اعتقاد به برتری پوشش حجاب یا به قصد تبلیغ صورت نمی‌گیرد، بلکه بیشتر کنشی دموکراتیک تلقی می‌شود؛ رویکردی دموکراتیک که معتقد است حجاب نیز باید به‌عنوان نوعی از پوشش اختیاری مورد احترام قرار گیرد (فادرائی، ۱۳۹۴: ۱۴۹). از این‌رو، نگاهی تقریباً گزینشی به دین وجود دارد؛ به نوعی که عمدتاً بر ارزش‌ها و اصولی از دین تأکید می‌شود که هم بتواند قشری از مسلمانان را به سمت حمایت از حزب بکشد و هم این ارزش‌ها را بر اساس مبانی حقوق بشری و غربی، به نوعی مورد تأکید و حمایت قرار دهد. از جمله این مسائل، بحث حجاب است که بر اساس نظرسنجی‌ها، ۷۶ درصد مردم ترکیه با ممنوعیت آن مخالفاند (Josseran, 2010: 146) و همین‌طور آموزش‌های دینی و مسئله زنا که در چندین سال گذشته، بحث‌و‌جدل عمده بر روی این مسائل بوده است (انتخابی، ۱۳۹۲: ۳۶۴).

بنابراین، اگر رهبران حزب عدالت و توسعه بخواهند با ابزارهای صرف حقوق بشری و دموکراسی غربی، الگویی برای دیگر کشورهای اسلامی پدید آورند، الگوی ایجادشده دیگر اسلامی نخواهد بود و اسلام در آن نقش اصلی نخواهد داشت، یا اینکه اگر بخواهند دین را با مدرنیته شدن جمع کنند، در این حالت دیگر دموکراسی ایجادشده، دموکراسی مورد پذیرش دولت‌های غربی و حقوق بشر غرب نخواهد بود؛ زیرا خواست مردم در انتخاب حکومت اسلامی، طبعاً تشکیل‌دهنده حکومت اسلامی خواهد بود و این نوع حکومت بر اساس مبانی اومانیستی اندیشه غرب با دموکراسی قابل جمع نیست. با وجود این، بسیاری از اصول اسلامی نیز اگرچه بر پشتیبانی مردمی مبتنی باشد، مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد؛ چنان‌که برای دیگر کشورهای اسلامی چون ایران قبول نیفتاده است؛ زیرا بر اساس مبانی مطرح‌شده «برای اینکه یک فلسفه سیاسی منتج از منابع غربی یا قرآن، دموکراتیک تلقی شود، باید به‌صراحت از کثرت‌گرایی حقوق بشر حمایت کند. حمایت از دموکراسی، متضمن مخالفت با مفاهیم حکومت اسلامی است» (راباسا و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۰۶-۱۰۷). افزون بر این، برخلاف آنچه بسیاری انتظار دارند، با نسبی‌گرایی، انعطاف‌پذیری



3



افزایش نمی‌یابد. کلاوس اوفه (Claus Offe) استدلال می‌کند که جوامع معاصر را باید «پیچیده» نامید؛ چراکه ویژگی اصلی آن، انعطاف‌ناپذیری است. وی معتقد است آنچه برای افزایش آزادی انتخاب افراد طراحی شده، اغلب نتایج معکوس به بار آورده است. او مثالی از سیستم حمل‌ونقل را ذکر می‌کند که «اگر تصمیم گرفته شود استفاده از ماشین برای همه افراد تسهیل گردد، این تصمیم باعث می‌شود هیچ‌کس نتواند به‌طور مؤثر از آن استفاده کند» (نش، ۱۳۹۳: ۲۶۲).

در نهایت، این دوگانگی هویتی سبب می‌شود حزب عدالت و توسعه تنها به دنبال حل موضعی و لحظه‌ای مشکلات داخلی باشد تا بتواند مشروعیت خود را به‌عنوان یک حزب برای انتخابات از دست ندهد. از این‌رو، برخلاف برخی دیدگاه‌ها، نگاه به ترکیه به‌عنوان الگویی برای دموکراسی اسلامی می‌تواند بسیار مشکل‌آفرین باشد؛ زیرا ترکیه نه تنها هنوز مسئله اسلام سیاسی را حل نکرده است، بلکه از استحاله آن نیز به نفع خود سود برده است؛ تا حدی که حزب عدالت و توسعه به قصد ماندگاری، ناگزیر از انکار پیشینه خود شده است (یاووز، ۱۳۸۹: ۱۸۱).

این مسئله به عرصه داخلی محدود نمی‌شود و طبعاً در مواجهه با همسایگان متعدد اسلامی و اروپایی بارزتر می‌گردد. در حوزه همسایگان اسلامی نیز دوباره این تلفیق تناقض‌آمیز اسلام و مدرنیته در وجوه اعمالی و اعلامی آن نمایان می‌شود. تناقضاتی که خواسته و ناخواسته یک وجه آن در خشونت و ترور و تکفیر برای برپایی دولت‌های سلفی اسلامی از سوی برخی از گروه‌های اسلامی، و وجه دیگر آن در پلورالیسم و کثرت‌گرایی نوع‌مانی‌گری دیده می‌شود. این تناقضات دوگانه از اجتهاد آزادی‌منبعث می‌شود که زمینه هر نوع برداشت از منابع اسلامی را پیش روی مسلمانان قرار می‌دهد (هوشنگی، ۱۳۸۹: ۱۸۹). بنابراین، انتخاب و عمل‌گزینی از اسلام، بزرگ‌ترین چالشی است که تا به امروز جهان اسلام با آن روبه‌رو بوده است. این چالش نه تنها در حوزه نظری ادامه دارد، بلکه خود را در تمام حوزه‌های زندگی انسانی نشان می‌دهد و به‌واقع پتانسیل ایجاد بحران‌های بزرگ امنیتی را نیز دارد؛ چنان‌که امروزه می‌توان چنین بحران‌هایی را در سطح منطقه با گروه‌هایی چون داعش مشاهده کرد. از این‌رو، تا زمانی که چارچوب‌های فقه اسلامی و به ویژه فقه سیاسی در اندیشه تشیع و تسنن که اشتراکات مهمی با یکدیگر دارند (میراحمدی و دیگران، ۱۳۸۹: ۹۸-۱۳۰) در جوامع اسلامی مورد قبول همگانی نیفتد و روش اجتهاد فقه‌ای پیش روی مسلمانان نباشد، باید انتظار چنین چالش‌هایی را داشت.

در حوزه اتحادیه اروپا نیز این دوگانگی خود را نشان می‌دهد. ژوزه مانوئل باروزو (Jose Manuel Barroso) رئیس پیشین گروه اتحادیه اروپا، شرط پیوستن ترکیه را به اتحادیه اروپا در دموکراسی سکولار می‌داند (یزدانی و حاجی‌زاده، ۱۳۹۰: ۳۴۵). این رویکرد در مسیر الحاق به اروپا و اجرای موازین کپنهاگ (Copenhagen criteria) ملزوماتی را می‌طلبد که الگوی ترکیه با اجرای این موازین، به‌واقع بخشی از دستورات دینی را از جامعه حذف می‌کند؛ از جمله لغو مجازات اعدام (آقایی، ۱۳۹۱: ۱۱۵) یا مسئله حجاب که در آن، دادگاه اروپایی حقوق بشر استفاده از روسری را منع می‌کند (انتخابی، ۱۳۹۲: ۳۶۶). این شروط بخش بسیار کوچکی از حوزه اجتماعی اسلام را نمایش می‌دهد و طبعاً با ورود به مباحث دیگری چون امور قضایی، اقتصادی و سیاسی، مباحث چالشی‌تر خواهد شد؛ چالش‌هایی که الگوی ترکیه را مجبور می‌کند یا فکر الحاق را با گرایش‌های اسلامی از سر بیرون کند یا با پیوستن به اتحادیه اروپا، از پذیرش احکام اسلامی خودداری نماید.

ب) غرب‌گرایی

یکی دیگر از چالش‌های الگوی ترکیه، رویکرد غرب‌گرایی است. ترکیه عضو پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و خواهان پیوستن به اتحادیه اروپاست و همچنین روابط نسبتاً خوبی با آمریکا و رژیم صهیونیستی دارد. این در حالی است که مسلمانان منطقه ذهنیت خوبی از عملکرد غربی‌ها به خاطر ندارند. مداخلات گسترده غربی‌ها، به‌ویژه ایالات متحده آمریکا در معادلات منطقه و ایجاد ناامنی در افغانستان، پاکستان و عراق و نیز مداخلات گاه و بیگاه در دیگر کشورهای اسلامی، نمونه بارزی از ناکارآمدی رویکردهای غربی را به مسلمانان منطقه نشان داده است. از سوی دیگر، ایالات متحده آمریکا نشان داده است که پایبندی عملی آنها به نقش مردم، تا جایی اعتبار دارد که به روی کار آمدن اسلام‌گرایان ضدغربی و ضدآمریکایی نینجامد (سلیمانی و قاسمی، ۱۳۹۳: ۵۳). براین‌اساس، بدگمانی عمیقی در مردم منطقه درباره غرب وجود دارد. در جریان بیداری اسلامی نیز این رویکرد غرب‌ستیزی در بین اعتراض‌کنندگان، بسیار مشهود بود. مردم بسیاری از کشورهای اسلامی چون مصر، یمن، لیبی و تونس به غربی‌ها و صهیونیست‌ها بسیار بدگمان بودند. برای مثال، ماهیت انقلاب مردم مصر در عین اسلامی بودن، ضدآمریکایی و ضدصهیونیستی بود. در لیبی نیز وضع به همین صورت بود (رنجبر، ۱۳۹۲: ۱۲۸). در دیگر کشورها، همچون یمن، بحرین، عراق و سوریه هم می‌توان چنین رویکردی را به‌وضوح مشاهده کرد. از این‌رو، این بدگمانی عمیق مردم منطقه به غرب، سبب ایجاد چالش‌هایی





در پذیرش الگوهای حکومتی وابسته به غرب می‌شود.

یک - ارتباط راهبردی ترکیه با ایالات متحده آمریکا

یکی از بازیگرانی که نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی ترکیه دارد و بسیاری از اولویت‌های سیاست خارجی این کشور با آن بررسی می‌شود، ایالات متحده آمریکاست. ترکیه منافع سیاسی، اقتصادی و امنیتی مهمی در ارتباط با آمریکا دارد. آمریکا نیز به منظور حل بحران مدیریت در این مناطق و حتی مداخله نظامی در آنها، نیازمند همکاری ترکیه بوده است؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت ترکیه سرمایه امنیتی برای آمریکا شمرده می‌شود؛ از این رو، همواره در سیاست خارجی آمریکا نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای داشته است. ترکیه به عنوان وزنه تعادل ایدئولوژیک در برابر اسلام‌گرایی ایران و ارائه الگویی از سازش اسلام و دموکراسی در جهان اسلام به شمار می‌آید. از طرفی، ترکیه در عادی‌سازی روابط مسلمانان با اسرائیل و نیز تقویت محور غربی در این منطقه و مهم‌تر از آن، برای مقابله با تهدیدهای ایران، حزب‌الله لبنان، سوریه و عراق که در همسایگی ترکیه قرار دارند، نقش مهمی ایفا می‌کند. از این رو، یک ترکیه ضدغرب یا حتی بی‌طرف نمی‌تواند این اهداف و برنامه‌های ایالات متحده و نظام سرمایه‌داری جهانی را برآورده سازد.

دو - همکاری با ناتو

ترکیه با عضویت در پیمان آتلانتیک شمالی، اهداف خود را در راستای منافع غرب تعریف می‌کند. بر این اساس، بسیاری از مسائل سیاسی و امنیتی کشورهای عضو در ارتباط تنگاتنگ با یکدیگر قرار گرفته و با اهمیت تلقی می‌شود. به ویژه این اهمیت با ساختار ژئوپلیتیکی خاص ترکیه و قرار گرفتن در منطقه حساس و پرتنش خاورمیانه دوچندان می‌شود. از این رو، ترکیه خواسته یا ناخواسته تحت تأثیر تحولات بیرونی عمدتاً در چارچوب منافع غربی قرار می‌گیرد.

حرکت ترکیه در راستای استراتژی غرب، اگرچه منافی برای ترکیه به همراه داشته است، ضربه‌های جبران‌ناپذیری نیز بر اقتصاد و امنیت این کشور وارد کرده است. مقامات ترکیه همواره در تقویت عضویت خود در ناتو کوشیده‌اند و در قالب این پیمان، همیشه طرفدار مواضع آمریکا و اروپا در شاخه جنوب شرقی ناتو بوده‌اند که این مسئله در جنگ خلیج فارس به وضوح آشکار گردید. جنگ خلیج فارس در سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۹۱ بحرانی بود که در بازگشت ترکیه به خاورمیانه تأثیر بسزایی داشت. به رغم نصیحت برخی از مشاوران و فرماندهان نظامی ترکیه، رئیس‌جمهور تورگوت اوزال (Turgut Ozal) از

لشکرکشی نظامی آمریکا برای عقب راندن عراق از کویت حمایت کامل کرد. او امیدوار بود حمایت ترکیه از آمریکا سبب شود ترکیه به عنوان شریک استراتژیک ایالات متحده پذیرفته گردد و چشم‌انداز پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا نیز سریع‌تر به حقیقت بپیوندد؛ اما امیدهای اوزال در هر دو زمینه واهی بود. شراکت استراتژیک با ایالات متحده هرگز جامه عمل به خود نپوشید و روند عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا نیز پیشرفت بسیار اندکی داشت. از نظر اقتصادی نیز ترکیه بهای سنگینی بابت حمایت از حمله نظامی آمریکا پرداخت (لاری، ۱۳۸۶: ۶۲).

رهبران حزب عدالت و توسعه نیز اشتباهات دولت‌های قبل را تکرار کردند؛ به طوری که استقرار سپر دفاع موشکی ناتو در ترکیه با محوریت آمریکا و حمایت‌های بی‌قید و شرط آمریکا از رژیم صهیونیستی، دقیقاً در راستای سیاست‌های مداخله‌جویانه و رویکرد تهاجمی ناتو ارزیابی می‌شود. در همین خصوص، رادار سپر دفاع موشکی ناتو، هم‌زمان با آغاز سال ۲۰۱۲ میلادی در شهر مالاتیا (Malatya) واقع در شرق استان آناتولی کار خود را آغاز کرد. این سامانه راداری قادر است اشیایی به بزرگی یک توپ فوتبال - و بالطبع موشک‌های دشمن - را از مسافت ۴۷۰۰ کیلومتری شناسایی و به وسیله موشک‌های ناتو نابود کند. با اینکه آنکارا به‌طور رسمی اعلام کرده است که این سامانه دفاع موشکی علیه هیچ کشوری نیست، استقرار سامانه دفاع موشکی و سامانه راداری در نزدیکی یک پایگاه نظامی در منطقه کورجیک (Küreçik) در استان مالاتیای ترکیه که تا مرز بازرگان ۵۴۰ کیلومتر و تا شهر تهران ۱۲۰۰ کیلومتر فاصله دارد و می‌تواند بسیاری از مناطق ایران را تحت پوشش قرار دهد، نشان می‌دهد مقامات ترکیه مجری سیاست‌های غربی‌ها در جهان اسلام هستند (احدی و تنهایی، ۱۳۹۳: ۱۵۶-۱۵۷). از این رو، برخلاف اختلافات صوری میان تل‌آویو و آنکارا، این سامانه موشکی چتر حمایتی بر سر رژیم صهیونیستی خواهد بود. همکاری نظامی آمریکا، ترکیه و رژیم صهیونیستی نشان می‌دهد ترکیه با استقرار این سامانه راداری، اتحادی ناگسستنی با آمریکا و رژیم صهیونیستی دارد.

سه - تلاش برای الحاق به اتحادیه اروپا

از زمان تأسیس جمهوری ترکیه، نزدیکی به غرب و به‌ویژه اروپا، اولویت اصلی سیاست خارجی این کشور بوده است. این گرایش در رهبران حزب عدالت و توسعه نیز دیده می‌شود. آنان بر این باورند که پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا، امکانات نظامیان را برای کودتا محدود می‌کند، دموکراسی و دامنه آزادی‌های فردی و دینی را گسترش می‌دهد و





به بهبود وضع اقتصادی ترکیه یاری می‌رساند (انتخابی، ۱۳۹۲: ۳۸۰). با وجود این، یک ذهنیت شکاک به اروپا وجود دارد که معتقد است اصلاحات سیاسی در ترکیه، فرهنگ اسلامی آن را در برابر نفوذ - یا اگر نه - فریبکاری اروپا آسیب‌پذیر می‌سازد. این موضع در عین حال که به اهمیت برخورداری ترکیه از آزادی‌های سیاسی اذعان دارد، معتقد است این روند نباید لطمه‌ای به هویت اسلامی آن بزند. ایشان معتقدند اروپا در گفتمان حقوق بشری صادق نیست و حقوق بشر در اتحادیه اروپایی، خاص مسیحیان و یهودیان است، نه مسلمانان. آنان غالباً عدم تمایل اروپا به دخالت در بوسنی برای جلوگیری از قتل‌عام مسلمانان، تصمیم مناقشه برانگیز دادگاه اروپایی حقوق بشر درباره انحلال حزب رفاه و تصمیم دادگاه در حمایت از ممنوعیت روسری و تأکید آن را بر عدم تناقض این ممنوعیت با حقوق اساسی فرد به عموم گوشزد می‌کنند. از این رو، بر اساس چنین ذهنیتی، وقتی پای مسائل اسلامی در میان باشد، اروپا از سیاستی دوگانه پیروی می‌کند (یاووز، ۱۳۸۹: ۳۳۷-۳۳۸). با این تفاسیر ترکیه به‌سختی خواهد توانست در عین تلاش برای اجرای اصلاحات کپنهاگ برای پیوستن به اروپا و حرکت در اجرای چارچوب‌های غربی، ادعای ام‌القرایی نیز داشته باشد و خود را الگویی برای جهان اسلام معرفی کند.

ج) سیاست‌های متعارض در نبود عمق راهبردی

چالش دیگر در خصوص الگوی حزب عدالت و توسعه، مسئله وحدت‌گرایی در جهان اسلام و از جمله مسئله فلسطین است که مسلمانان خواستار رسیدن به وحدت امت اسلامی و رویکردی واحد در حمایت از فلسطین در برابر رژیم صهیونیستی به‌عنوان دشمن دیرین مسلمانان هستند. در این باره نیز الگوی ترکیه با اتخاذ رویکردهای تناقض‌آمیز و دوگانه، با چالش‌های متعدد روبه‌روست.

الگوی نوع‌مانی‌گری که عمدتاً از نگاه حزبی به معادلات سرچشمه می‌گیرد، سبب می‌شود این حزب برای تداوم فعالیت خود به‌عنوان حزبی قانونی و برخوردار از پشتیبانی قاطع همگان، بر مبنای حفظ قدرت عمل کند. رهبران این حزب در تلاش‌اند افزون بر مصون نگه داشتن خود از سرکوب، برای کسب اقتدار سیاسی، با رعایت دقیق ملاحظات افکار عمومی، تناسبی میان عطش حفظ خلوص عقیدتی از سویی و حداکثرسازی آرای مردم از سوی دیگر برقرار سازند (همان: ۹۰). از این رو، سیاست منفعت - هویت را در پیش می‌گیرند که تمایلی دوگانه برای حفظ قدرت و تأکید بر هویت به شمار می‌آید. این رویکرد در عرصه سیاست خارجی نیز خود را نشان داده است و سبب می‌شود الگوی حزب



عدالت و توسعه نتواند از عمق راهبردی برای تعیین سیاست‌های خود برخوردار باشد. این سیاست به این می‌انجامد که حزب عدالت و توسعه به صورت واکنشی عمل کند؛ نکته‌ای که ایل‌تر تورکمن (Türkmen Ayltr)، وزیر خارجه ترکیه در آغاز دهه ۱۹۸۰ نیز بر آن تأکید کرده است و می‌گوید: «سیاست خارجی این کشور هرگز مبتکر و کنشگر نبوده است، بلکه برعکس همواره واکنش‌گر بوده؛ یعنی فقط در برابر رویدادها واکنش نشان داده است» (انتخابی، ۱۳۹۲: ۳۹۵). الگوی حزب عدالت و توسعه با در پیش گرفتن چنین سیاستی، نه تنها مانع از پذیرش الگوی خود از سوی دیگر جوامع اسلامی می‌شود، بلکه وحدت‌گرایی در جهان اسلام را نیز با چالش مواجه می‌سازد. حاصل چنین رویکردی، اتخاذ سیاست‌ها و تصمیمات اعوجاجی و تناقض‌آمیزی چون تنش صفر و صدی با همسایگان، مداخله منفی در جریان بیداری اسلامی، غرب‌گرایی لیبرال و شرق‌گرایی تکفیری و حمایت هم‌زمان از رژیم صهیونیستی و فلسطین است.

یک - تنش صفر و صدی با همسایگان

مقامات ترکیه، از جمله احمد داود اوغلو معتقدند ترکیه نباید خود را مستقر در جبهه شرقی اروپا و فقط با نگاه به غرب ببیند، بلکه باید مشکلات را با همسایگان خود کاهش دهد و آن را به صفر رساند و با آنها ارتباط نزدیکی برقرار سازد. بنا بر این رویکرد، ترکیه برای اینکه بتواند به رهبر منطقه‌ای تبدیل شود و اهمیت استراتژیک بین‌المللی بیاید، باید با همسایگان خود روابط دوستانه برقرار کند و مشکلات و اختلافات را از بین ببرد. مهم‌ترین و اصلی‌ترین هدف ترکیه در این چارچوب، رسیدن به بیشترین میزان همگرایی و همکاری با همسایگان است (متقی و نکو لعل آزاد، ۱۳۹۵: ۱۲۵-۱۲۶). مقامات ترکیه با در پیش گرفتن چنین رویکردی، سال‌ها تلاش کردند از طریق بهبود روابط سیاسی و افزایش همکاری‌های گسترده اقتصادی و تجاری، اختلاف‌ها و بدگمانی‌های سیاسی و امنیتی خود را با یونان، قبرس، ارمنستان، اتحادیه عرب، عراق، ایران و سوریه کاهش دهند، توجه بیشتری به همسایگان خود داشته باشند و ارتباط نزدیک و دوستانه‌ای با آنها برقرار سازند (بنی‌هاشم، ۱۳۹۱: ۱۷۱)؛ اما این روند با بیداری اسلامی و تحولات منطقه به سرعت تغییر کرد.

اردوغان و داود اوغلو به‌عنوان معماران سیاست خارجی نوین ترکیه که مدام از سیاست تنش صفر با همسایگان سخن می‌گفتند و خود را مقید به رعایت بی‌طرفی در امور داخلی



دیگر کشورها معرفی می‌کردند، با دخالت در امور داخلی کشورهای همسایه، از جمله سوریه و عراق رویکرد متناقضی نشان دادند. در این راستا ترکیه و دولت‌های عربی به کمک سازمان سیا، در برخی مقاطع کمک‌های نظامی خود را به مخالفان دولت سوریه به‌شدت افزایش داده‌اند. داده‌های ترافیکی و مصاحبه با مقامات چندین کشور، حکایت از گسترش حمل‌ونقل سلاح و تجهیزات هوایی به صورت مخفی برای براندازی حکومت بشار اسد دارد. کشورهای اردن، عربستان و قطر، تجهیزات نظامی را در پروازهای متعدد برای حمایت از مخالفان سوریه به ترکیه انتقال داده‌اند (Schmitt & Chivers: 2013). همچنین نیروهای نظامی ترکیه در چندین مرحله در شمال عراق وارد مداخله نظامی شده‌اند. استقرار ارتش ترکیه در شمال شهر موصل (پایگاه نظامی بعشیره) با رضایت نسبی حزب دموکرات کردستان عراق و درخواست ائیل نجیفی، استاندار سابق استان نینوا را می‌توان یکی از اقدامات ترک‌ها در کشور عراق دانست. ورود این نیروها به محدوده سرزمینی کشور عراق در شرایطی است که حکومت مرکزی بغداد، این اقدام ترکیه را نقض قواعد بین‌المللی و تجاوز به حاکمیت ملی عراق می‌داند (امینی، ۱۳۹۴). طبیعتاً مقامات ترکیه با حمایت گسترده از تکفیری‌ها و نقض حاکمیت عراق و سوریه و تلاش برای ساقط کردن حکومت بشار اسد در کنار عربستان و قطر، به مواجهه خود با حکومت ایران، همسایه دیگر خود نیز دامن زده‌اند و تناقض آشکاری را در پیگیری سیاست‌های خود در جهت کسب منفعت شخصی پیش گرفته‌اند.

دو - مداخله منفی در جریان بیداری اسلامی

ورود ترکیه به بحران سوریه با ضعف برآورد از وزن عوامل و شرایط مؤثر محیط داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، و وسوسه‌های غربی برای به دست آوردن مطامع گسترده به اجرا درآمد؛ تاجایی که در نتیجه این غفلت راهبردی، چالش‌های سیاسی - امنیتی ترکیه روند صعودی پیدا کرد. این روند سبب فعال شدن گسل‌های هویتی در سطوح اجتماعی جامعه ترکیه و منطقه، و نفوذ رادیکالیسم سلفی - تکفیری در محیط امنیتی ترکیه و منطقه شده است که آینده الگوی ترکیه را با چالش‌های بیشتری برای پذیرش در منطقه مواجه می‌کند.

ورود فعال ترکیه به عرصه سوریه و حمایت‌های آشکار و پنهان آنان از تکفیری‌ها و تروریست‌ها در راستای ساقط کردن حکومت بشار اسد، زمینه ناامنی‌های منطقه‌ای را پدید آورد. مداخله ترکیه نه‌تنها جریان بیداری اسلامی را به سمت بحران سوریه متمرکز نمود،



بلکه تبعات زیان‌باری را نیز در عرصه امنیتی برای ترکیه به وجود آورد. وقوع ناامنی‌ها در منطقه و گسترش پدیده تروریسم، سبب فعال شدن گروه‌های دیگر، از جمله پک‌ک شد که تا به امروز ناامنی‌های گسترده‌ای را در شهرهای مختلف ترکیه به وجود آورده‌اند. ترکیه که بخش مهمی از درآمدهای خود را وابسته به صنعت توریسم می‌دانست و به رشد اقتصادی خود به‌عنوان رکن مهمی در معرفی الگوی خود می‌نگریست، به‌گونه‌ای که مقامات ترکیه معتقد بودند «امروز ما باید همان نفوذ عثمانی را در خاورمیانه داشته باشیم؛ با این تفاوت که به‌جای سربازان ترکیه‌ای، کالاهای ترکیه در آنجا حضور داشته باشند» (رسولی و ایمانی، ۱۳۹۴: ۱۲) امروزه در حال دگرگونی است. به عبارتی، ترکیه در سالیان گذشته به دنبال رسیدن به منافع ملی و امنیت ملی از راه تغییر منطق امنیتی به منطق اقتصادی بوده است، ولی امروزه با اتخاذ سیاست‌های غرب‌گرا و منفعت‌طلب، در جهت عکس خود، به سمت رویکرد امنیتی پیش می‌رود که این رویکرد طبعاً چالش‌های سیاسی - امنیتی متعددی را پیش روی الگوی ترکیه قرار خواهد داد.

سه - از غرب‌گرایی لیبرال تا شرق‌گرایی تکفیری

مقامات حزب عدالت و توسعه، از یک سو به‌جای اسلام بر اصول دموکراسی، اصل عدم تبعیض، میثاق اروپایی حقوق بشر و دیگر قراردادهای بین‌المللی حقوق بشر به‌عنوان تنها مرجع در دفاع از هویت‌های اسلامی تأکید دارند (امام‌جمعه‌زاده و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۴۹). در این راستا اردوغان در حمایت از محمد مرسی، رئیس‌جمهور مخلوع مصر، از ژست چهارانگشت^۱ استفاده می‌کند و از حکومت‌های نظامی تبری می‌جوید و با تأکید بر دموکراسی، حکومت بشار اسد را رژیم گستاخ معرفی می‌نماید و حمایت از آن را در شأن خود نمی‌داند (Balanchard & Sharp, 2012). اما از سویی دیگر در عکس‌العملی متفاوت، به ائتلاف با حکومت‌های سلطنتی چون قطر و عربستان برای تجهیز معارضان سوری و غیرسوری می‌پیوندد. دیوید ایگناتیوس (David Ignatius) یکی از نویسندگان روزنامه واشنگتن‌پست درباره این ائتلاف می‌نویسد: این سه کشور موفق شدند بزرگ‌ترین ائتلاف نیروهای معارض مسلح را در سوریه با عنوان «جیش الفتح» تشکیل دهند. ترکیه نیز اجازه داد در استان ادلب و مناطق شمال و غرب سوریه سلاح‌های بیشتری به دست این ائتلاف

۱. نماد میدان رابعه قاهره که سرکوب طرفداران محمد مرسی در آن صورت گرفت.



برسد (Ignatius, 2015). مؤسسه مطالعات حقوق بشر دانشگاه کلمبیا نیز در پژوهشی به بررسی پیوندهای موجود میان دولت ترکیه و گروه تروریستی داعش پرداخته که نتایج آن در قالب گزارشی در روزنامه هافینگتون پست منتشر شده است (Phillips, 2014). در این گزارش به طیف گسترده‌ای از همکاری‌های نظامی و انتقال اسلحه گرفته تا حمایت لجستیکی و مالی و تأمین خدمات درمانی ترکیه به گروه‌های تروریستی استناد شده است. از این رو، این تناقض راهبردی مانع از پذیرش الگوی ترکیه به‌عنوان الگوی میانه می‌شود و زمینه وحدت‌گرایی مسلمانان را نیز به تعویق می‌اندازد.

چهار - برخورد دوگانه منفعت - هویت در ارتباط با رژیم صهیونیستی و فلسطین

کشور ترکیه از همان ابتدای ظهور اسرائیل و حتی قبل از آن و در دوران زمینه‌سازی برای تشکیل دولت یهودی - صهیونیستی در فلسطین، روابط نزدیکی با رژیم صهیونیستی داشته است. ترکیه تنها هم‌پیمان منطقه‌ای اسرائیل در گذشته و حال است و منافع راهبردی متعددی در ارتباط با رژیم صهیونیستی دارد. دولتمردان ترکیه منافع متعددی در روابط خود با تل‌آویو می‌بینند. آنها عدم پذیرش رژیم صهیونیستی را تحقیری برای خود در جامعه اروپا می‌دانند؛ از این رو، می‌کوشند از طریق همسویی و همراهی با سیاست‌های آمریکا و اسرائیل در منطقه، از نفوذ این دو کشور در اروپا به نفع خود استفاده کنند (افضلی و متقی، ۱۳۹۰: ۱۹۶). نکته دیگر اینکه، ترکیه با توافق‌های متعدد تجاری، از جمله توافق فروش سالانه پنجاه میلیون متر مکعب آب به مدت بیست سال به اسرائیل، منافع بسیاری کسب می‌کند (سنایی، ۱۳۹۰: ۱۶۶)؛ به‌گونه‌ای که ترکیه در سال ۲۰۰۵ بزرگ‌ترین شریک تجاری اسرائیل در منطقه بوده است؛ در این سال ترکیه نهصد میلیون دلار کالای اسرائیلی وارد و ۱,۲ میلیارد دلار کالا به اسرائیل صادر کرده است (همان: ۱۶۸). افزون بر آن، ترکیه در پی فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، برنامه‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت گسترده‌ای به‌منظور گسترش نفوذ در آسیای مرکزی و قفقاز در پیش گرفته است، اما برای اجرای این برنامه‌ها با کمبود شدید منابع مالی مواجه است؛ بنابراین، انعقاد پیمان‌های نظامی - اطلاعاتی که در واقع امتیازی برای تل‌آویو شمرده می‌شود، می‌تواند حمایت اسرائیل و به دنبال آن، کمک‌های مالی آمریکا را برای آن کشور در پی داشته باشد.

ترکیه در داخل کشور نیز در مقابله با کردهای استقلال‌طلب با مشکلات سیاسی - امنیتی شدیدی دست‌به‌گریبان است و به همراهی اسرائیل نیاز دارد. همان‌گونه که در مفاد پیمان ۲۲ فوریه ۱۹۹۶ تصریح شده است، با آموزش نیروهای نظامی - امنیتی ترکیه از

سوی واحدهای اسرائیلی و تجهیز و سازمان‌دهی آنها از طریق دستیابی به بازار تسلیحات و فناوری اسرائیل، آنکارا می‌تواند مهم‌ترین هدف امنیت داخلی خود را از این پیمان تحقیق‌یافته بداند (افضلی و متقی، ۱۳۹۰: ۱۹۶). از این‌رو، اگرچه ترکیه گاه مواضع تندی علیه اسرائیل در پیش گرفته است، در مجموع به دلیل نیاز خود به رژیم صهیونیستی، ناگزیر به حفظ حدودی از روابط و تلاش برای عادی‌سازی روابط است. این نوع رفتار کنشگران ترکیه، بیانگر درک آنها از ساختار ژئوپلیتیکی سیاست خارجی ترکیه و تلاش برای تنش زدایی از روابط دو کشور است تا در سایه این نوع رویکرد منفعت‌گرایانه، ترکیه بتواند به منافع خود دست یابد؛ اما باید توجه کرد که رژیم صهیونیستی در بین مسلمانان به‌عنوان یک اشغالگر شناخته می‌شود و تا به امروز مسلمانان بسیاری را به خاک و خون کشیده است.

رژیم صهیونیستی در کارنامه خود جنگ‌های متعددی با کشورهای اسلامی داشته است. کشورهای عربی و در رأس آن سوریه و مصر به‌طور رسمی چهار بار در سال‌های ۱۹۴۸، ۱۹۵۶، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ با اسرائیل وارد جنگ شده‌اند. درست در ۱۴ مه ۱۹۴۸ که قیمومیت بریتانیا بر فلسطین پایان یافت، کشور اسرائیل رسماً اعلام وجود کرد. فردای آن روز ارتش‌های کشورهای عربی و گروه بسیاری از چریک‌های داوطلب از چند جبهه به محدوده کشور تازه‌تأسیس اسرائیل حمله بردند و جنگ استقلال اسرائیل از ماه مه ۱۹۴۸ تا ژوئیه ۱۹۴۹ به طول انجامید که نهایتاً به شکست عرب‌ها خاتمه پذیرفت. در سال ۱۹۶۷ نیز ارتش اسرائیل طی شش روز صحرای سینا، کرانه باختری رود اردن، نوار غزه، ارتفاعات جولان و شهر قنيطرة را به اشغال درآورد و بر تمام اورشلیم مسلط شد. قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت در پایان جنگ، اسرائیل را به تخلیه این مناطق اشغال‌شده ملزم کرد، اما این قطعنامه تاکنون به مرحله اجرا درنیامده است (لی، ۱۳۸۳: ۲۱۷-۲۲۳). گذشته از این موارد، رژیم صهیونیستی حملات بی‌شماری به نوار غزه انجام داده است. بر اساس گزارش یونسف در سال ۲۰۱۴م، در نتیجه حملات هوایی ۴۴۷ کودک در یک ماه کشته شده‌اند که هفتاد درصد آنها دوازده ساله یا جوان‌تر بوده‌اند و جوان‌ترین آنها یک دختر ده روزه بوده است؛ ۲۷۴۴ کودک نیز زخمی گزارش شده‌اند (Weibel & d'Aki, 2014).

به دلیل همه این عوامل، بسیاری از کشورهای اسلامی رژیم صهیونیستی را به رسمیت نشناخته‌اند و آن را به‌عنوان دشمن درجه یک اسلام و مسلمانان معرفی می‌کنند. چنین برداشتی از رژیم صهیونیستی در میان جوامع اسلامی، سبب می‌شود روابط دوستانه ترکیه با رژیم صهیونیستی با دیدی منفعت‌گرایانه نگریسته شود و از اثرگذاری الگوی





نوعثمانی‌گری بکاهد. طبیعتاً نمی‌توان با آن همه جنایات رژیم صهیونیستی در نوار غزه و ادامه آن تا به امروز، در کنار هر دو طرف قرار گرفت و از هر دو جهت، یعنی ارتباط با رژیم صهیونیستی با رویکرد منفعت‌گرا، در کنار ارتباط با نوار غزه و ارسال کمک‌های بشردوستانه با رویکرد هویت‌گرا سود برد؛ مگر با نگاهی ابزارری و منفعت‌گرایانه که از دید مسلمانان به‌دور نمی‌ماند.

بنابراین، نداشتن عمق راهبردی سبب سرگردانی و به دنبال آن ایجاد انواع چالش‌ها پیش روی الگوی ترکیه می‌گردد. داود اغلو، نخست‌وزیر پیشین ترکیه در بخش‌های مختلف کتاب عمق راهبردی خود به این نکته اشاره می‌کند و می‌نویسد: ترکیه از یک سو به‌عنوان کشوری محوری در کانون راهبردهای جهانی و منطقه‌ای و از سوی دیگر کشوری تجزیه‌شده در سطح هویتی تلقی می‌گردد و این وضعیت سبب می‌شود ساختاری پویا با قالب کوچک، همواره مجبور به تغییر پوست در چارچوب، ساختاری پویا با قالب بزرگ گردد (داود اغلو، ۱۳۹۱: ۲۵). این عامل، خود زمینه‌ای برای اثرپذیری بیشتر الگوی ترکیه از قدرت‌های بزرگ را فراهم می‌آورد. داود اغلو بر این باور است که قدرت‌های منطقه‌ای نظیر ترکیه مجبور بودند حوزه نفوذ منطقه‌ای و سیاست خارجی خود را به مجموعه سیاست‌های ناپایدار و متلاطم ابرقدرت وابسته سازند. از این‌رو، دولت‌هایی چون ترکیه شکل‌دهی سیاست خارجی خود را به جایگاه متغیر بازیگران درون نظام بین‌الملل گره می‌زنند (همان: ۸۵-۸۹). این امر سبب می‌شود ترکیه از عمق راهبردی در سیاست‌های خود برخوردار نباشد. در واقع، می‌توان بخش بزرگی از چالش‌هایی که امروزه اقتصاد پویا و صنعت توریسم ترکیه را به انفجارهای روزانه تبدیل کرده است، وابسته بودن ترکیه به سیاست‌های ابرقدرت‌هایی چون آمریکا و نبود عمق راهبردی در تصمیم‌گیری‌های کلان دانست.

نتیجه

الگوی حزب عدالت و توسعه تا زمانی که سیاست منفعت - هویت را اساس رویکرد خود قرار دهد، در دوره‌های مختلف زمانی با چالش‌های متعددی دست‌به‌گریبان خواهد بود؛ زیرا بر اساس این رویکرد، حزب عدالت و توسعه با نگاه حزبی به تحولات خواهد نگرست و طبیعی است با چنین رویکردی، راهبردهای کلان به سیاست‌های کوتاه‌مدت در راستای تقویت حزب و پابرجایی آن خلاصه خواهد شد. از این‌رو، کشوری که حزب مدعی اسلام‌گرایی آن، پیوستن به اتحادیه اروپا را هدف اول خود قرار داده است، برای اروپایی شدن

بیشتر، قوانین خود را مطابق میل غرب تغییر داده و به‌عنوان نخستین کشور اسلامی، اسرائیل را در سال ۱۹۴۹ به رسمیت شناخته است. این کشور که عضو بلوک نظامی و امنیتی ناتو است، در جنگ کره به نفع غرب مشارکت داشته، پذیرای محل استقرار سپر دفاع موشکی علیه یک کشور مسلمان است. همین‌طور در راستای دموکراسی‌خواهی منطقه، به‌شدت از محمد مرسی حمایت می‌کند، اما حرفی از اوضاع بحرین و یمن به میان نمی‌آورد. نیز در عین اینکه روابط گسترده‌ای با رژیم صهیونیستی، قاتل هزاران زن و کودک فلسطینی دارد، شعارهای حمایت از فلسطین سر می‌دهد. همچنین، از یک سو به بنیادگرایی اسلامی انتقاد می‌کند و از سوی دیگر حامی گروه‌های تروریستی علیه سوریه می‌شود و از همه مهم‌تر، در عین تلاش برای حل مشکلات با همسایگان خود، در تناقضی آشکار به سوریه و عراق حمله نظامی می‌کند.

بنابراین، اسلام لیبرال مسلک موردنظر دولتمردان اسلام‌گرای ترکیه، اسلامی سازش‌کار و منفعت‌طلب است که اهل مبارزه با استکبار و قدرت‌های زورگو نیست. از این‌رو، گرچه شاید به‌ظاهر هرازگاه با برخی از اقدامات دولتمردان دولت‌های زورگو و مستکبر غرب و رژیم صهیونیستی مخالف باشد، اما این مخالفت‌ها بیشتر ژستی سیاسی برای بهره‌برداری‌های سیاسی دولتمردان ترک در جهان اسلام و نوعی عوام‌فریبی است. بنابراین، الگوی اسلام ترکیه، اسلامی متضاد با آرمان‌گرایی اسلامی است و بیشتر مصلحت‌اندیش است و تنها منافع حزب، گروه و کشور خود را در نظر می‌گیرد، نه جهان اسلام را. بر این‌اساس، سیاستی که هنوز هزینه‌های ام‌القرایبی را پرداخت نکرده است و آمادگی پرداخت آن را نیز ندارد، طبیعتاً نخواهد توانست در منطقه به‌عنوان الگوی ام‌القرایبی مطرح شود. با وجود این، الگویی که بتواند اسلام را از زبان اسلام به جهانیان معرفی کند و خود از دل مکتبی تئوریزه نگردد، راهگشای جهان اسلام خواهد بود.



منابع

- آقایی، سید داود (۱۳۹۱)، «تحلیل نظری الحاق ترکیه به اتحادیه اروپایی و موانع پیش رو»، فصلنامه سیاست، دوره چهل و دوم، شماره چهارم.
- احدی، محمد و علیرضا تنهایی (۱۳۹۳)، «تأثیر استقرار سامانه موشکی ناتو در ترکیه بر امنیت نظامی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه امنیت پژوهی، سال سیزدهم، شماره چهل و ششم.
- احمدی، حمید (۱۳۹۰)، *جامعه‌شناسی سیاسی جنبش‌های اسلامی*، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- افضل‌ی، رسول و افشین متقی (۱۳۹۰)، «بررسی و تبیین ژئوپلیتیکی اسلام‌گرایی اعتدالی در سیاست خارجی ترکیه از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۱ با رویکرد سازه‌نگاری»، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره چهارم.
- اکبری کریم‌آبادی، نورالدین (۱۳۹۲)، «بیداری اسلامی در کشاکش الگوپذیری از مدل حکومتی انقلاب اسلامی ایران و اسلام‌گرایی سکولار ترکیه»، مجله پانزده خرداد، دوره سوم، سال دهم، شماره سی و ششم.
- امام‌جمعه‌زاده، جواد و دیگران (۱۳۸۹)، «پرخش گفتمانی در راهبردهای اسلام‌گرایان ترکیه و علل آن»، فصلنامه آفاق/امنیت، دوره جدید، سال سوم، شماره ششم.
- امینی، کمال (۱۳۹۴)، «دخالت ترکیه در عراق؛ موضوع اختلاف کردها و دولت مرکزی»، قابل دسترسی در:
<http://alwaght.com/fa/News/22929/>
- انتخابی، نادر (۱۳۹۲)، *دین، دولت و تجدد در ترکیه*، تهران، انتشارات هرمس.
- ببری، نیکنام و دیگران (۱۳۹۳)، «سیاست خارجی ترکیه و بیداری اسلامی (مطالعه موردی: تحولات مصر و تونس)»، فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر، سال پنجم، شماره اول.
- بنی‌هاشمی، میرقاسم (۱۳۹۱)، «سیاست خارجی نوین ترکیه و موقعیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی»، پژوهشنامه دفاع مقدس، سال اول، شماره چهارم.
- داوداغلو، احمد (۱۳۹۱)، *عمق راهبردی، ترجمه محمدحسین نوحی نژاد*، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- رابسا، آنجل و دیگران (۱۳۸۹)، *استراتژی آمریکا: توسعه شبکه‌های سکولار- لیبرال در جوامع اسلامی*، ترجمه علی‌اکبر اسدی، تهران، اندیشه‌سازان نور.



- رسولی، رؤیا و همت ایمانی (۱۳۹۴)، «رویکرد اقتصادی در سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه: مورد ایران (۲۰۰۲-۲۰۱۴)»، فصلنامه روابط خارجی، سال هفتم. شماره دوم.
- رنجبر، محمدعلی (۱۳۹۲)، «بررسی نظریات مطرح پیرامون جنبش‌های سال ۲۰۱۱ در جهان اسلام»، فصلنامه معرفت سیاسی، سال پنجم، شماره دوم.
- سلیمانی، رضا و بهزاد قاسمی (۱۳۹۳)، «مقایسه رویکرد انقلاب اسلامی و ایالات متحده به نقش مردم در بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه (۲۰۱۴-۲۰۱۱)»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال سوم، شماره یازدهم.
- سنایی، اردشیر (۱۳۹۰)، «چارچوبی تحلیلی برای بررسی روابط ترکیه و اسرائیل پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه (۲۰۰۲-۱۰۱۰)»، پژوهشنامه روابط بین‌الملل (علوم سیاسی و روابط بین‌الملل)، دوره چهارم، شماره شانزدهم.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۷)، مبانی اندیشه سیاسی اسلام، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- فادرائی، علی (۱۳۹۴)، «روایت یک دگردیسی از اسلام‌گرایی اربکانی تا عمل‌گرایی اردوغانی»، روزنامه صبح خراسان، شماره ۱۹۱۱۲.
- کامران، حسن (۱۳۸۲)، تکرار ادیان در بوته نقد (نگاهی جامع به بحث پلورالیسم دینی)، قم، دفتر نشر معارف.
- لاری، اف. استفن (۱۳۸۶)، «رویکرد نوین ترکیه به خاورمیانه»، ترجمه مسعود آخوند مهریزی، ماهنامه فردوسی، شماره پنجاه و ششم - پنجاه و هفتم.
- لی، دیوید (۱۳۸۳)، «گاه‌شمار روابط اعراب و اسرائیل الف: از سال ۱۹۴۷ تا سال ۲۰۰۱»، ترجمه عباس الوندی، مجله علوم انسانی، سال سیزدهم، شماره پنجاه و پنجم.
- متقی، ابراهیم و فاطمه نکولعل آزاد (۱۳۹۵)، «گذار از موازنه‌گرایی منطقه‌ای به تنش‌زدایی در سیاست خارجی ترکیه»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال نهم. شماره سی و سوم.
- میراحمدی، منصور و دیگران (۱۳۸۹)، درس‌گفتارهایی در فقه سیاسی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- نش، کیت (۱۳۹۳)، جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، کویر.
- هوشنگی، حسین (۱۳۸۹). «نقش مدرنیته در توسعه بنیادگرایی در جهان اسلام»، مجله دانش سیاسی، سال ششم، شماره اول.
- یاووز، م. هاکان (۱۳۸۹)، سکولاریسم و دموکراسی اسلامی در ترکیه، ترجمه احمد عزیزی،

تهران، نشر نی.

– یزدانی، عنایت‌الله و جلال حاجی‌زاده (۱۳۹۰)، «بررسی موانع الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا»، فصلنامه سیاست، دوره چهاردهم، شماره چهارم.

– Chivers, C. J. and Schmitt, Eric (2013), "Arms Airlift to Syria Rebels Expands, With Aid From C.I.A.", march 24, Visit the:

http://www.nytimes.com/2013/03/25/world/middleeast/arms-airlift-to-syrian-rebels-expands-with-cia-aid.html?_r=0&adxnnl=1&adxnnlx=1381908053-ez+AszpmxVCGoIshza0Hsw&pagewanted=print

– Duran, B and Yilmaz, N. (2011), "Whose Model? Which Turkey?" Foreign Policy: <http://mideast.foreignpolicy.com/Posts/2011/02/08/>

– Ignatius, David (2015), "A new cooperation on Syria", May 12, Visit the:

https://www.washingtonpost.com/opinions/a-new-cooperation-on-syria/2015/05/12/bdb48a68-f8ed-11e4-9030-b4732caefe81_story.html?utm_term=.a245ea6f0779

– Phillips, David L (2014), "ISIS-Turkey Links", Visit the:

http://www.huffingtonpost.com/david-l-phillips/research-paper-isis-turke_b_6128950.html

– Sharp, Jeremy M and Blanchard, Christopher M. (2012), "Syria: Unrest and U.S. Policy", Congressional Research Service. May 24.

– T. Jossieran, (2010), *La nouvelle puissance turque, L'adieu à Mustapha Kemal*, Ellipses, Paris.

– Weibel, Catherine and d'Aki, Loulou, (2014), "A long path to recovery for children in Gaza", Visit the: https://www.unicef.org/emergencies/oPt_74698.html

